



ظهور و سقوط حقوق زنان
تک‌درختی در کویر
کتاب های جدید نشر سوره مهر

۱۶



کلمات بال دارند
تجارت معنای ندارد
هر آن چه می‌خواهید از نشر بدانید

۱۷



بیست برای بیستم
ناشرها روی وب
بشت هم گزارش سقوط برگ

کتاب

یادداشت روز ‏•‏

سیاهه فرهنگ

خسر و طالب زاده

سیاهه‌ای از مسائل فرهنگی و ساختاری نشر در ایران را می‌توان برشمرد که به‌گونه‌ای بازنمایی‌کننده وضعیت فرهنگی کنونی ماست:

– نقش اصلی و عامل تعیین‌کننده در حوزه فرهنگ برعهده دولت است.

– ابزارهای دخالت دولت ابزارهای حمایتی و نظارتی است.

– به غیر از مطبوعات، در سایر بخش‌های فرهنگی نظیر کتاب قانون مدون و شفاف و حد و قدر معینی در حوزه نظارت وجود ندارد. دستگاه نظارتی در برابر رشد کمی کتاب قادر به روزآمد شدن و پاسخگویی نیست هرچند مدیران و کارکنان اخلاقاً چنین منشی داشته باشند.

– مرجع نظارت باید قانون اساسی باشد و مرجع حمایت باید عقلانیت کارشناسی و مشورتی. مرزهای این دو حوزه در هم تنیده و نامشخص است.

– چگونگی و نوع حمایت‌های دولت در این حوزه قانونمند نیست و بیشتر سلیقه‌ای است.

– روش‌های حمایت از تولیدات فرهنگی غالباً در مرحله پیش از تولید و اعطای منابع مالی، مواد اولیه کاغذ و زیرین صورت می‌گیرد و لذا ناکارآمد، فسادآور و راثی است.

– ساختار و روش‌های اداری در حوزه فرهنگ میراثی از گذشته‌های دور و سنتی و کاملاً بوروکراتیک و دارای سلسله مراتب عمودی و غیرمشارکتی است.

– تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی در وضعیت بی‌ثبات و ناموثر در فرآیند تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها هستند و وظایف و مسئولیت‌های آنان به رسمیت شناخته نشده است.

– منافع و مصالح بخش خصوصی به‌ویژه در زمینه‌ها و امور دولتی، فردی و غیرجمعی است و منافع و مصالح جمعی در بخش‌هایی از فرهنگ هنوز نارس و نامتعین است.

– خالقان و مولدان و نهادهای بخش خصوصی در تولید و توزیع اثر فرهنگی فاقد مسئولیت در برابر خوانندگان و جامعه و دارای تکلیف در برابر مراجع قضایی و انتظامی هستند.

– متن و اثر فرهنگی چند لایه و مستعد بدخوانی و بدفهمی است.

– فرهنگ حیاط خلوت سیاست و سیاست‌سالاری در فرهنگ سنت ایرانی است. فرهنگ همواره ذیل سیاست تعریف می‌شده است.

– فرهنگ برای مردم کالای لوکس و ابزار تشخیص و تمایز اجتماعی است. اهل فرهنگ و کتاب برای مردم از جنس و

قشر خودی نیستند، هر چند عزیز و محترمند.

– کالاهای فرهنگی در سبد هزینه‌های خانوار جای‌اندک و ناچیزی دارد.

– تولید کالای فرهنگی در ایران صرفه اقتصادی ندارد و گردش و حجم پولی در جریان در این موسسات فرهنگی با سایر نهادهای اقتصادی قابل مقایسه نیست. اقتصاد فرهنگ نحیف و شکننده است.

– امکان زندگی حرفه‌ای و امرار معاش از راه تولید فرهنگی برای نویسندگان و مولفان در ایران سخت و طاقت‌فرسا است. – درآمد و منابع مالی فرهنگی دولت از کار و تولید فرهنگی تامین نمی‌شود بلکه دولت به منابع نفتی متکی است و لذا دولت در این حوزه بدون اتکا به بخش خصوصی می‌تواند تولید فرهنگی را سامان‌دهی و برنامه‌ریزی کند.

– تولیدات و کالاهای فرهنگی دولتی اکثراً پرهزینه، ارزاقیست، نامطلوب و بی کیفیت و بد توزیع و بی‌ارتباط با نیازهای مردم و جامعه است.

– عدم توازن و تعادل در کثرت، تنوع، کیفیت و کمیت کالاهای فرهنگی خارجی یا مشابه ایرانی سبب شکل‌گیری نیازها و تقاضاهای ایرانی برای عرضه کالاهای خارجی شده است.

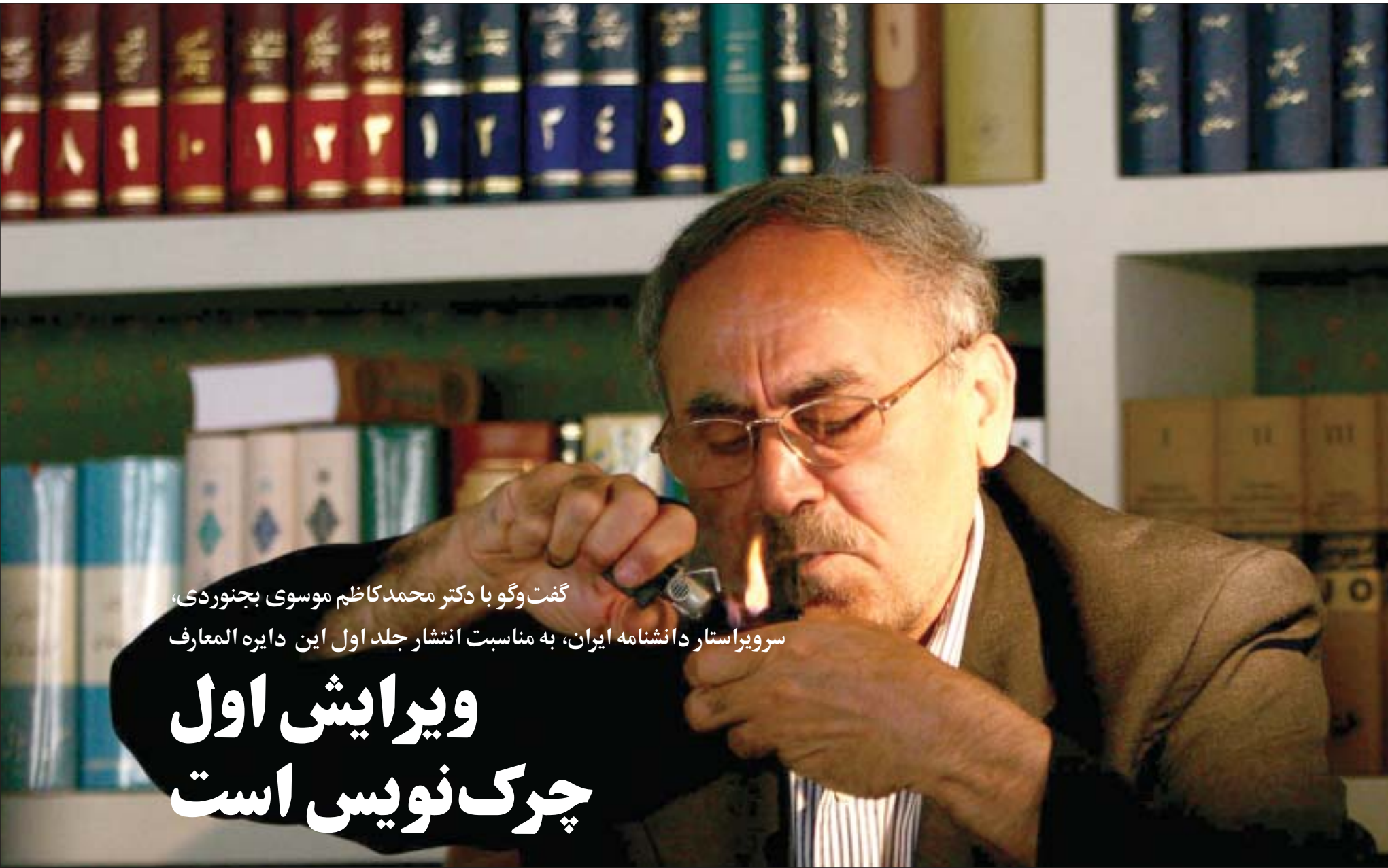
– فرهنگ در جهان جهانی‌شده به تدریج بی‌زمان و بی‌مکان‌شده است و تبادل کالاهای فرهنگی در جهان مجازی و دور از دسترس و اختیار دولت در حال ممکن شدن است. – تولید و مصرف کالاهای فرهنگی آخرین پناهگاه و دوست برای مردم و عالم خاکی است.

– تولیدات فرهنگی تحت هر شرایطی در ایران رشد قابل قبولی داشته است.

– مرز کارکردی و تمایزهای ارزشی میان کالاهای والا و برتر و نخیه‌گرا با کالاهای فرهنگی عامه‌پسند و توده‌ای در ایران فرو می‌ریخته است هم کالاهای فرهنگی نخیه‌گرای محافظه‌کار و غیرآواگازراند تولید و توزیع می‌شود و هم کالاهای فرهنگی عامه‌پسند، رهایی‌بخش و رادیکال.

– سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه نشر بی‌ثبات و بی‌دوام، کلی‌نگر، سیاسی‌محور، تابع سلیقه مدیران و بی‌اتکا به گذشته و بی‌اعتنا به آینده است.

– در نظام اداری فرهنگ مولدان و نویسندگان و ناشران و نهادهای نشر بی‌حق و مسئولیت‌اند. به این سیاهه فرهنگی در حوزه نشر می‌توان موارد دیگری را افزود. اما یک نگاه شاید بتوان مسائل نشر را در این سیاهه جمع‌بندی کرد. این موارد به زبان خاصی دلالت ندارد بلکه سرزنش‌کننده و متهم و مقدری است که از صدر مشروطه و تأسیس نهادهای صنفی و نشر در ایران وجود داشته است. این سیاهه ساختاری و تاریخی است و به سه فرد و گروه و دولت خاص محدود نمی‌شود. دولت‌ها در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات خود بنابر گرایش و دیدگاه سیاسی خود بر برخی یا دسته‌ای از این مشکلات تأکید و توجه می‌ورزند و برخی یا دسته‌ای از آنها را نادیده و کم‌اهمیت می‌شمردند. اما چون نگاه غالب و رایج «مهم‌ترین معضلات» و «مسائل اساسی» مورد نظر خود است، غالباً به حل کمترین مسائل و معضلات هم موفق نمی‌شوند چون نگاه غالب اقدام سریع و نمایشی است. در واقع در حوزه فرهنگ ساده می‌توان نظر داد و همه افراد صاحب‌نظر و کارشناس ادبیات، رمان، سینما، موسیقی و . . . اند و از طرح‌های بزرگ سخن می‌گویند، اما تقریباً از هیچ‌کس کاری بر نمی‌آید. چون فرهنگ به نرمی ظاهر آن نیست. ادامه در صفحه ۱۶



پرویز شهباز

می‌شود. حالا می‌خواهم بدانم شما برای تعداد کلمات هر مدخل ملاکی دارید که به این خلاصه بودن وفادار بمانید. یا بهتر بپرسم منظورتان از خلاصه بودن چیست؟ تعداد کلمات را همان کمسیون ویژه انتخاب عناوین با مشورت دپارتمان مربوطه تعیین می‌کند. ■ در مورد تک‌تک مداخل این اتفاق می‌افتد؟ دقیقاً. پس از مشورت و انتخاب، مدخل‌ها برای سرویراستار که خود من هستم، ارسال می‌شود. سرویراستار وظیفه کنترل فرآیند انتخاب عنوان و تعداد کلمات را بر مبنای نظرات کارشناسی افراد به عهده دارد. اگر هم شخصاً نظر خاصی داشته باشد، آن را با رئیس دپارتمان در میان می‌گذارد. مجموعه این فرآیند منجر به تثبیت نهایی موضوع می‌شود. گرچه بالاخره باید بگویم نمی‌توان برای این کار متر و ملاک روشنی گذاشت. ■ خوب اگر هم نشود این کار را کرد معلوم نیست عاقبت کار به کجا برسد؟ ویرایش اول چرک‌نویس است. به همین خاطر مسئله نظارت دائم در فرآیند تولید دانشنامه، آن هم به جهات مختلف و توسط افراد مختلف، مسئله‌ای بسیار مهم و ضروری است. مدیریت این کار بسیار مشکل و پیچیده است. گرچه به هر حال احتمال خطا وجود دارد. به همین خاطر است که ویرایش‌های جدید بریتانیکا با ۲۰۰سال سابقه، هنوز هم با ویرایش‌های قبلی تفاوت دارد. ما که هنوز در ویرایش اولیم. رسم است که در دایره‌المعارف نویسی می‌گویند ویرایش اول چرک‌نویس است.

■ ملاک شما برای تدوین محتوای مداخل مربوط به عالم خارج از جهان اسلام چیست. در این مورد توضیح ندارید. همه مدخل‌های جهانی ترجمه می‌شوند. اما گاهی پیش می‌آید، مخصوصاً در گره وادیان یا فلسفه که اساتید می‌گویند مقالات کافی نیستند و نیاز به تعریف و تدوین جدید دارند. ■ منظورشان این است که ترجمه آن مداخل متناسب با درک مخاطب ایرانی نیست؟

نه، می‌گویند ما می‌خواهیم از چند مدخل برای تالیف استفاده کنیم. البته منابع باز هم خارجی هستند. ترجمه نمی‌کنیم. فقط از چند منبع استفاده می‌کنیم. به طور مثال بریتانیکا مدخل مفصلی درباره اسطوره داشت. دکتر عزت‌الله فولادوند که رئیس دپارتمان فلسفه غرب دانشنامه است گفت براساس مطالعات من بهتر است این مطلب تالیف شود.

■ منتقدان نظام دایره‌المعارف نویسی در ایران یک انتقاد جدی به آن دارند. آنها می‌گویند آیا بضاعت جامعه فکری ما با این همه دایره‌المعارف مختلف و متفاوتی که در دست انتشارند، متناسب است یا خیر؟ آیا اگر ملاک و میزان، همان استانداردهای رایج در همه جهان باشد، ما می‌توانیم از تولید این همه دایره‌المعارف، آن هم در نهادهای مختلف و متفاوت در سرزمینمان دفاع کنیم؟

بله. من هم شنیده‌ام که بیش از صد دایره‌المعارف در سرزمین ما در حال تولید است. البته در جهان غرب هم دایره‌المعارف‌های تخصصی در سطح وسیع و متنوعی منتشر می‌شوند. مثلاً شنیدم اخیراً دایره‌المعارفی در باب کلمه‌ای چند داشتند. از آنجا بحث مطرح می‌شود و مصوبه این شورا قطعی الاجرا است. سپس مسئله درجه یک یا دو بودن شاعران آنجا حل می‌شود. ■ تأکید من روی مسئله ملاک، مربوط به آخر و عاقبت کار شما است. اگر قرار باشد همه مداخل حضور داشته باشند که کار اتمام دانشنامه خدای ناکرده به نسل‌های بعدی اعضای این مرکز واگذار خواهد شد. وضعیت تعداد مجلدات چه می‌شود؟

این طور نیست. مقالات دانشنامه ایران خلاصه هستند. بسیار خب. پس یعنی این خلاصه بودن مانع از آن اتفاق می‌افتد که دپارتمان برای دانشنامه ایران تعریف کرده‌ایم. این ۲۰ دپارتمان برای دانشنامه ایران تعریف کرده‌ایم. در بسیاری از این حوزه‌ها ما مداخل‌های بسیاری داریم که به دلیل تفاوت ملاک‌ها در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی حضور ندارند. این ۲۰ دپارتمان برای پر کردن ملاک‌تان برای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی داریم که رئیسش دکتر غلامی است. ما مثلاً یک دپارتمان هنر و معماری برای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی داریم که رئیسش دکتر سمسار است و یک دپارتمان دیگر به طور خاص برای دانشنامه ایران داریم که رئیسش دکتر غلامی است. ■ من ملاک‌های جغرافیایی شما را نفهمیدم. اما نفهمیدم نحوه نگارش مقالات به چه صورتی است؟ چند درصد از آنها تالیفی‌اند و چند درصد ترجمه؟ ملاک شما برای ترجمه چیست؟ آنها ضوابط دیگری دارند. می‌شود مثال خوبی در حوزه جغرافی‌د. ■ نه، اتفاق می‌خواهم حوزه دیگری را مثال بزنید. مثل ورزش. ملاک شما برای انتخاب رویدادها یا مفاهیم ورزشی چیست؟ ما در دایره‌المعارف هدفمان این است که آن چیزی را معرفی کنیم که مخلوق حوزه جهان اسلام است، اما در رشته‌های اروپایی و آمریکایی دارند. پس به کار دایره‌المعارف نمی‌آیند اما اینجا به کار ما می‌آیند. ■ من این مسئله را نفهمیدم. موضوعات مورد سؤال من نیستند می‌خواهم ملاک‌های شما برای انتخاب مدخل در حوزه ورزش را بدانم. ■ بالاخره «فنیله‌پس» و «مایکل شوماخر» در دانشنامه ایران می‌آیند یا نه؟ بسیار خب. ببینید مثلاً ما در مورد شعر، شاعران را به درجه ۱، ۲، ۳ و ۴ تقسیم‌بندی کرده‌ایم. در دایره‌المعارف شاعران درجه یک و دو او را می‌آوریم اما در دانشنامه مداخل مربوط به شاعران درجه سه و چهار هم داریم. ■ بسیار خب در همین حوزه شاعران، این درجات چگونه تعریف می‌شوند؟



این درجات را اساتید مرکز تعیین می‌کنند. اگر اختلافی بین رئیس دپارتمان مربوط با کمسیون ویژه‌ای که مثلاً برای گزینش عناوین تشکیل داده‌ایم به وجود آمد، اختلاف به شورای عالی علمی ارجاع می‌شود که ماهی یک‌بار تشکیل می‌شود. ۳۸ نفر از اساتید برجسته کشور در این شورا حضور دارند.

در آنجا تقریباً همه روسای دپارتمان‌ها حضور دارند به علاوه مشاوران عالی که ممکن است ضرورتاً عضو دپارتمان خاصی نباشند. در آنجا بحث مطرح می‌شود و مصوبه این شورا قطعی الاجرا است. سپس مسئله درجه یک یا دو بودن شاعران آنجا حل می‌شود.

■ تأکید من روی مسئله ملاک، مربوط به آخر و عاقبت کار شما است. اگر قرار باشد همه مداخل حضور داشته باشند که کار اتمام دانشنامه خدای ناکرده به نسل‌های بعدی اعضای این مرکز واگذار خواهد شد. وضعیت تعداد مجلدات چه می‌شود؟

این طور نیست. مقالات دانشنامه ایران خلاصه هستند. بسیار خب. پس یعنی این خلاصه بودن مانع از آن اتفاق

می‌شود. ■ پس یعنی مسائل ایران امروز ذیل همان عنوان جهان اسلام می‌گنجد.

همین‌طور است. بخش ایران باستان هم به دلیل ضرورت توجه ویژه به فرهنگ ملی تدوین شده. به طوری که در بخش حرف الف، بیش از ۷۰۰ مقاله در حوزه ایران باستان نگاشته شده است که حرف الف ما احتمالاً دو و نیم جلد خواهد شد. این جلد اول که منتشر شده به مداخل «ادویه» رسیده است.

■ نحوه نگارش مقالات به چه صورتی است؟ چند درصد از آنها تالیفی‌اند و چند درصد ترجمه؟ ملاک شما برای ترجمه چیست؟

در مورد عناوین مربوط به خارج از علوم جدید محور کار ما ترجمه است. مقالات ایران باستان صد درصد تالیف می‌شوند و در مورد مقالات جهان اسلام هم مبنای کار همان «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» است که در همین مجموعه سال‌ها است در حال تدوین است مقالات این حوزه را از آن منبع برمی‌داریم. مگر اینکه مدخل مورد نظر در آنجا نباشد که در این صورت تالیف می‌کنیم.

■ که البته خیلی بد است در آنجا نباشد. چون بالاخره دایره‌المعارف بزرگ اسلامی هم در همین مجموعه تدوین می‌شود.

نه، خیلی هم بد نیست. چون دایره کار دانشنامه «دایره‌المعارف بزرگ ایران» تغییر کرد. بعد قرار شد نامش را دانشنامه فارسی بگذاریم. اما گفتند جای دیگری از این نام استفاده شده. تا اینکه در نهایت با مشورت شورای عالی علمی نام آن را دانشنامه ایران گذاشتیم. دانشنامه ایران یک دانشنامه عمومی و جهانی است. یعنی مداخل‌های آن مربوط به مسائل همه جلدی، نه خیر دنیا دارد و نه حسن عاقبت. بی‌خیال شوید لطفاً.

■ انتقادهای شما به دانشنامه را قبل از شروع مصاحبه شنیدم. لطف کنید کمی از دانشنامه ایران تعریف کنید. با اغراق لطفاً.

اول بگویم وقتی ما این کار را آغاز کردیم نامش را

«دایره‌المعارف بزرگ فارسی» گذاشتیم. بعد نامش به «دایره‌المعارف بزرگ ایران» تغییر کرد. بعد قرار شد نامش را دانشنامه فارسی بگذاریم. اما گفتند جای دیگری از این نام استفاده شده. تا اینکه در نهایت با مشورت شورای عالی علمی نام آن را دانشنامه ایران گذاشتیم. دانشنامه ایران یک دانشنامه عمومی و جهانی است. یعنی مداخل‌های آن مربوط به مسائل همه جلدی، نه خیر دنیا دارد و نه حسن عاقبت. بی‌خیال شوید لطفاً.

■ پس می‌توان آن را یک دایره‌المعارف ایرانی درباره جهان دانست؟

بله. مثل دایره‌المعارف لاروس در فرانسه، یا آمریکانا و بریتانیکا. البته ممکن است بعضی چیزها از قلم بیفتند اما به لحاظ موضوعی ما به همه موضوعات نظر داریم.

■ از قلم افتادن را برای من توضیح بدهید. اشتباهات کاری منظور نظرتان است یا حذف مداخل‌ها در فرآیند گزینش؟ البته هر دو اتفاق بالاخره می‌افتد. حساب اشتباهات که جدا است. اما در مورد بخش دوم سؤال، هر دایره‌المعارفی برای خودش ضوابطی دارد. مثلاً می‌گویند در حوزه جغرافیا ما تا «بخشدار» پیش می‌رویم. یا مثلاً تبصره‌ای هم به آن می‌زند و می‌گویند اصل بر این است که تا بخشداری پیش برویم. اما در مورد جهان اسلام دهداری را هم می‌آوریم. یا در مورد ایران تا واحدهای کوچکتر هم می‌آوریم.

■ ضابطه شما چیست؟ من می‌خواهم این را بدانم. کاری به بقیه دایره‌المعارف‌ها ندارم.

مثال ما در همین جغرافیا این است که راجع به غیر از جهان اسلام، دوم مربوط به ایران باستان و سوم دیگر نقاط جهان که مسامحتاً از آن به عنوان جهان نام می‌بریم. البته